

یغمای قلعه عزالدوله در زوارک الموت^۱

کلنار کریمی

پژوهشگر علم سیاق

عنایت الله مجیدی

مستوفی کتابخانه و مرکز اسناد
دائرة المعارف بزرگ اسلامی
cgic.library@yahoo.com

از دهستان آن روز الموت را به «صیغه ملکیت»^۶ به وی واگذار کرد که این امر سبب اختلاف دامنه داری بین رعایای آنجا و عزالدوله شد. عین السلطنه در یادداشت‌های خود به پیشینه این موضوع چنین اشاره می‌کند:

در ۱۳۰۰ ق این بلوک را ناصرالدین شاه به پدرم (عزالدوله) رحمة الله علیه تیول داد. بعد که شروع فروش به خالصجات دولت شد، پدرم تمام خالصه آنجا را خرید (متجاوز از ۳۶ ده و دهکده). این خالصجات تصور می‌شود از عهد هلاکو باقی و قدیم‌ترین ملک دولت بود. لیکن به طور مقاطعه به رعایا داده بودند و به مالکیت عمل نمی‌شد، مثل غالب خالصجات.^۷

عزالدوله پس از این فرمان و خرید برخی املاک دیگر، دامنه ملکیت و حکومت خود را بر این بخش از الموت گسترش داد. او ظاهراً برای نزدیکی و دلبستگی خود به الموت، همسری نیز از آنجا اختیار نمود.^۸ نخستین اقدام او، ایجاد بنایی متناسب با شئون و موقعیت خود (در زمینی به مساحت حدود چهار تا پنج هزار متر) در روستای زوارک الموت بود، که بعدها به قلعه الموت یا قلعه زوارک شهرت یافت.^۹ تاریخ دقیق آغاز بنا را نمی‌دانیم اما در ۱۳۱۷ ق ساخت آن به پایان رسیده است.^{۱۰}

عین السلطنه قهرمان میرزا در خاطرات خود در چگونگی انتخاب محل قلعه و ساخت آن و سهمی که رعایای آنجا در بنای آن داشته‌اند، اشارات کوتاهی دارد که نقل می‌شود:

زوارک در وسط الموت است و به دهات معتبر نزدیک است به این جهت قلعه را اینجا بنا کردیم... قلعه زوارک جای مرتفع مصفایی بنا شده. اطاق‌های خوب دارد. مبلغی مخارج شده، رعیت هم عمله را کمک کردند بعضی اطاق‌ها سفید نشده. حیاط هم سفید نشده. تصرفات هم لازم دارد. آن وقت به سلامتی بسیار عالی و

از یادداشت‌های روزانه عین السلطنه قهرمان میرزا سالور (۱۲۵۰-۱۳۲۴ ش) به روشنی برمی‌آید که عبدالصمد میرزا عزالدوله، برادر بزرگ ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۲۴-۱۳۰۸ ش) از همان نخستین دیدار خود از الموت^۲ (۲۵ رمضان ۱۳۰۳ ق) شیفته این سرزمین جادویی شد. سفرهای بعدی او به آنجا، بر این علاقه‌مندی افزود؛ بدان حد که «الموت جان شیرین عزالدوله» تلقی شد.

ظاهراً دو موضوع بیشتر از موضوعات دیگر، توجه عزالدوله را بدانجا معطوف داشته بود: یکی طبیعت و کوه‌های متنوع آنجا، که برای امر تفریح و شکار^۴ او دلپذیر می‌نمود. دوم درآمد اقتصادی، مخصوصاً معادن نهفته در دل کوه‌های الموت. او خود به فرزندش، عین السلطنه قهرمان میرزا، که از حکمروایی الموت تنی خسته داشت، گفته بود:

قلعه حسن آنجاست، مملو از ذخایر است، هلاکو آنجا اردو زده، خواجه نصیر چه کرده، تمام آن کوه‌ها پر از معادن است...^۵

به هر صورت، این توجه عزالدوله به الموت به آنجا انجامید که ناصرالدین شاه نخست آنجا را به صورت تیول به او داد و سپس طی فرمانی در ذی حجه ۱۳۱۲ ق، ۴۴ آبادی

۱. از فریبا مجیدی به خاطر حروفنگاری این متن دشوار سپاسگزاری می‌کنیم.
۲. سالور، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۴.
۳. همان، ج ۶، ص ۴۲۰۳.
۴. در تأیید این موضوع، گفتنی است که عین السلطنه نخستین گزارش از سفر عزالدوله به الموت را «شکارنامه الموت» نام نهاده است (همان ۱، ص ۳۹).
۵. همان، ج ۱۰، ص ۷۸۲۰.

۶. مجیدی، عنایت الله، «سرنوشت آبادی‌های تیولی الموت»، نامه انجمن، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۴، ص ۸۱-۹۶.

۷. سالور، روزنامه...، ج ۱۰، ص ۷۸۱۹، نیز: ج ۲، ص ۱۶۱۴.

۸. سالور، عزالدوله، عبدالصمد میرزا سالور عزالدوله و دو سفرنامه او به اروپا در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۳۰۰، تنظیم و تصحیح از مسعود سالور، تهران: نامک، ۱۳۷۴، ص ۱۵۴؛ سالور، روزنامه، ج ۵، ص ۴۰۹۴.

۹. این قلعه توسط عبدالصمد میرزا عزالدوله بنا شد و فرزندش عین السلطنه در مدت چهارده سال اقامتش در آنجا، در تکمیل آن کوشید (سالور، روزنامه...، ج ۲، ص ۱۶۱۳-۱۶۱۴، ج ۵، ص ۳۵۳۸).

۱۰. همان، ج ۷، ص ۵۵۷۳.



اما داستان قلعه زوارک، به این آرامی و خوشی ختم نمی‌شود. چنان‌که در گفتاری دیگر نوشته‌ام،^۵ صدور فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر واگذاری ۴۴ آبادی الموت به عزالدوله به صورت مالکیت، مایه مخالفت بین رعایای آنجا با وی شد که معتقد به خالصه ملک الموت نبودند. اسباب و عللی را که، صرفاً به موضوع فرجام تلخ این قلعه — البته پس از هجده سال کشمکش و درگیری — ارتباط دارد و در زیر بدان اشاره می‌کنم، این دشمنی را شدت بخشید:

۱. همزمانی اختلافات رعایای الموت با عزالدوله و عین السلطنه، با فعالیت نهضت جنگل و تأثیر آن، در مردم منطقه الموت. از کتاب خاطرات عین السلطنه شواهد بسیاری مبنی بر ارتباط تنگاتنگ برخی فعالان منطقه الموت با جنگلی‌ها، به دست می‌آید. عدم تمایل عین السلطنه با نهضت جنگل نیز بر این دشمنی — و در عین حال نزدیکی الموتی‌ها با آن نهضت — می‌افزود. به هر صورت مخالفان سرسخت الموتی عین السلطنه، پشتیبانی استوار یافته بودند که از نظر آنان در آن روزها چهره‌ای مردمی به شمار می‌آمد.

۲. دومین موضوع، به قدرت رسیدن خاندان پهلوی و افول اقتدار قاجاریان بود. عین السلطنه به صراحت از بی‌توجهی به شکایات او از مردم الموت، در زمان سردار سپهری رضاشاه اشاره می‌کند. تا آنجا که فروش املاک الموت به رعایای آنجا را تا حدی «کمک دیکتاتوری رضاشاه» می‌داند.^۶

۳. موضوع سوم، مجموعه وقایع و رفتاری است که عین السلطنه برای دفاع از موقعیت خود نشان داد؛ این رفتارها سرانجام به یک نارضایتی و نیز انسجام بیشتر مخالفان او منجر شد.

۴. چهارمین علل، بلکه مهم‌ترین اسباب دشمنی با خاندان قاجاری، محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی و خانواده او بودند. دهستان رودبار در همجواری دهستان الموت، عمدتاً متعلق به سپهسالار تنکابنی بود. او که در آن روزها موقعیت خوبی داشت، علاقه‌مند بود که ملک بخش

قشنگ خواهد شد... چمنکاری قشنگی هم در قلعه کردیم. سنگفرش و باغچه‌بندی و درختکاری مانده. اطراف قلعه را همه باغ کرده و درخت کاشته‌اند.^۱

آگاهی ما در باب وسعت و مجموعه این قلعه نیز اندک است. اجمالاً می‌دانیم نقشه ظاهر بنا به دست شخصی مطلب‌نام (پسر عیسی و زکی الموتی) که در مدرسه سن لویی در تهران تحصیل می‌کرده، ترسیم شده است. این نقشه در حوادث آنجا متأسفانه از میان رفته است.^۲ در گزارشی که در پایان این گفتار خواهد آمد، از برخی قسمت‌های درونی و اندرونی قلعه ذکری هست که بدان اشاره می‌کنم: حیات اندرونی از اتاق و برج مسکونی، صندوقخانه برج، اتاق بزرگ خانم‌ها، صندوقخانه اتاق بچه‌ها، اتاق دم در مکتبخانه، انبار اول و دوم، آشپزخانه و برج آن، حیات بیرونی اتاق بزرگ، اتاق محمدعلی خان، آبدارخانه، خوابگاه، دفترخانه، اصطبل، اتاق کلفت‌ها و ناهارخانه.

در این قلعه از آغاز تا ۱۳۳۷ ق به ترتیب عبدالصمد میرزا (عزالدوله)، رفعت السلطان (پسر وکیل رعایای قزوینی و همسر ماهوش خانم (نواب علیّه) دختر عزالدوله) از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۷ ق؛ و عین السلطنه قهرمان میرزا سالور (دومین فرزند ذکور عزالدوله) از اواخر ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۸ ق سکونت و حکمروایی داشته‌اند. بعد از این تاریخ، مستشار الممالک؛ میرزا نصرالله و میرزا سیف‌الله به عنوان حاکم الموت از طرف عزالدوله به زوارک رفته‌اند.^۳

عین السلطنه قهرمان میرزا برای حکمروایی در الموت به جای پدرش، از همه تعلقات خود در تهران دل کند. او نیز صلاح در آن دید، همسری الموتی (البته تنها همسر) اختیار کند که تا پایان عمر برای او بانویی متشخص و مهربان و وفادار باقی ماند.^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۱۶۱۳ - ۱۶۱۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۵۳۸ - ۳۵۳۹.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۷۸۲۱.

۴. همان، ج ۴، ص شانزده. این همسر الموتی عین السلطنه، زینب خانم دختر شیخ ملا عباس الموتی زوارکی بود که در ماه رجب ۱۳۲۹ ق به همسری او درآمد. بنابراین مادر عباس میرزا، مسعود میرزا و بهمن میرزا (که ظاهراً در خردسالی فوت کرده است)، و دختران، یعنی ملکه، روشنک، آزاده، و نهضت... همگی با شهرت سالور، فرزندان عین السلطنه از ناحیه مادر، الموتی هستند (ج ۱، ص ۷، ج ۷، ص ۵۱۰۸، ج ۱۰، ص ۷۹۱۴).

۵. میچندی، «سرنوشت...»، ص ۸۱ - ۹۶.

۶. سالور، روزنامه...، ج ۲، ص ۱۶۳۶.

الموت را نیز بر متصرفات خود بیفزاید. بخش اعظمی از خاطرات عین السلطنه به موضوع دشمنی سپهسالار با او و علاقهٔ سپهسالار به ملکیت دهستان الموت اختصاص دارد. افزون بر این، از شواهد برمی آید که مردم الموت خود را به سپهسالار تنکابنی نزدیک تر می دیدند تا به این خاندان قاجاری.

دشمنی عملی سپهسالار با عین السلطنه به دست فرزندانیش که در رودبار و پیرامون آن حکومت داشتند، از جمله امیر اسعد خلعتبری و علی اصغر خان سالارالدوله (پسر سوم سپهسالار تنکابنی) هر چند گاه به جنگ و گریز می انجامید. در میان این وقایع، دو مرحله از همه برجسته تر است. یکی حملهٔ به قلعهٔ عین السلطنه در زوارک در ۱۳۳۶ق و دیگر در ۱۳۳۷ق.

به نظر می آید عواملی که در بالا اجمالاً برشمردم، با حملهٔ ۲۱ ربیع الاول یونتیل ۱۳۳۷ق سالارالدوله به قلعهٔ زوارک، هماهنگی و اتحاد یافته است.

ما دو گزارش مشروح از جزئیات حمله به این قلعه را در دست داریم. گزارش نخست، از آن عین السلطنه قهرمان میرزا سالور است. او خود در این تاریخ، صاحب قلعهٔ زوارک و به اصطلاح یک پای دیگر این جریان است.

عین السلطنه حملهٔ سالارالدوله به قلعهٔ زوارک را چنین گزارش کرده است. اما پیش از آن متذکر می شوم که او یک روز قبل از حمله به قلعه از الموت به سوی قزوین حرکت کرده است و خبر حمله را دو روز بعد در قزوین به او داده اند. اینک عین ماجرا:

کاغذی از نزهت، کاغذ دیگری از والدهٔ علی محمد (در قزوین) به دست من دادند. باز کردم نوشته بودند: روز ۲۱ نهار ساعدالدوله وارد زوارک شد. نوکرهای عین السلطنه استقبال کردند. نهار را در زمین نزدیک دکاکین خورد، بعد از نهار حکم کرد آدمهای شما را گرفتند و ریختند به قلعه. هر چه بود غارت کردند. آدمها را گرمارود [روستایی نزدیک زوارک] بردند... زینب (همسر عین السلطنه) و بچهها شرحی نوشته بودند. دل سنگ کباب می شد که: چهار از شب رفته چه قسم به استعانت اشجار اطراف قلعه (افراد ساعدالدوله و خود او) توی حیاط آمده بودند. همگی سراسیمه برخاسته توی اطاق زینب رفته بچهها مثل بید می لرزیدند.

کلام الله مجید را به دست شمس و حسنی داده جلوی محمد خان ترک رفته گریه و التماس نموده بودند و او تندتند می گفته ساعدالدوله سر سفر است، پول و اسلحه لازم دارد، پولها کجاست. اینها قسم می خوردند هر چه بود عصر بردند. حالا هم به غیر این اطاق هر جا را میل دارید تفحص کنید، گردش کنید آنچه باقی است ببرید... تفنگ و مبلغی پول و هر چه جلوی دست خودش و آدمهایش می افتد بر می دارند. باز جلوی اطاق زن ها می روند که گوشواره و سینه ریز و دست بند های خود را بدهید... گنج های نوکرها را باز می کنند آنچه مال نوکرها هم بود می برند. جمعی هم در پایین مشغول بردن اسبها و اسباب طویله و اثاثیه کوفتی اسمعیل جلودار بودند... ساعت شش و هفت این جمعیت گرمارود می رود. نوکرها را در گرمارود پس از استنطاق که همه را قسم می خوردند... غروب تلگرافی از قزوین و کربلایی غلام علی رسید که: پس از غارت عصر ۲۱ ربیع الاول ۱۳۳۷ق، شب ۲۲ مجدداً از گرمارود جمعی به قلعه آمده هر چه باقی مانده بود حتی خوراکی و اسب و قاطر یغما شد... عصر (یکشنبه ۱۸ رمضان ۱۳۳۷ق) با کمال اندوه برای تماشای خرابهٔ خودم رفتم که ده سال بود آنجا منزل داشتم و بیست سال بود بنا شده بود. درست یک تل خاکی درست نموده اند که اگر کسی سابق آن را ندیده باشد هیچ تصور نمی کند اینجا عمارت بود. از تمام این عمارت یک تکه چوب کبرید باقی نگذاشتند. حتی تمام درخت های پیوندی و تمام شمشاد و «لافرانس» و گل های چایی را کنده یا دور انداخته اند یا به باغات خود برده اند.^۱

گزارش دوم، از سید ضیاء الدین الموتی (فرزند سید زمان ویکانی الموتی) است با عنوان قیام مسلحانهٔ دهقانان الموت.^۲ چنان که می دانیم مؤلف یکی از افراد گروه معروف به ۵۳ نفر است که به رهبری دکتر تقی ارانی به علت فعالیت های سیاسی از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰ش در زندان بود. سید ضیاء الدین که تبار الموتی دارد و جریان وقایع قلعهٔ زوارک را دنبال می کرده است، آگاهی های دقیقی از بخشی از فعالیت های مردم الموت و نقش سالارالدوله فرزند سپهسالار تنکابنی در این واقعه را گزارش نموده که به عنوان مکمل وقایع قلعهٔ زوارک تلقی می شود. البته باید

۱. همان، ج ۷، ص ۵۴۹۸، ۵۵۰۲، ۵۵۷۳.

۲. الموتی، ضیاء الدین. قیام مسلحانهٔ دهقانان الموت. تهران: ۱۳۵۹، ص ۵۵ - ۱۳۶.

درست است که پس از واقعه ۱۳۳۷ ق، عزالدوله کماکان بر ملکیت آنجا تصرف داشت و کارگزاران او در زوارک حضور داشتند،^۳ اما تصرف و انهدام قلعه زوارک برای عزالدوله و پسرش، عین السلطنه بسیار گران آمد. عزالدوله بعد از این وقایع و ظاهراً از ترس سپهسالار تنکابنی که صاحب قدرت و نفوذ بود، ناگزیر شد به سفارت روس پناهنده شود. خود او به صراحت گفته است:

من فقط از ترس کینه سپهسالار آن هم برای خاطر الموت سفارت (روس) رفتم. بعد هم که برگشت کرده استعفا دادم (عزالدوله. سفرنامه...، ص ۱۰۶).

عین السلطنه هم از این دشمنی سپهسالار یاد می‌کند:

دوازده سال است سپهسالار و امیر اسعد با ما عداوت می‌کنند و اسباب‌ها فراهم می‌کنند بلکه این املاک را از چنگ ما خارج کنند (عین السلطنه، روزنامه...، ج ۷، ص ۵۲۴۶).

اهمیت دارد که بدانیم عین السلطنه بیش از نیمی از روزنامه خاطرات ارزشمند ده جلدی خود را به مسائل الموت و شیوه حکمروایی اش بر آنجا و نیز شرح زوایای مختلف حمله سالارالدوله به الموتی‌ها بر قلعه زوارک اختصاص داده است. اشارات کوتاهی از نوشته او را عیناً پیش از این نقل کردیم. معلوم می‌شود که پس از شش سال کشمکش قرار بر این می‌شود، ساعدالدوله از بابت انهدام قلعه و به غارت رفتن اموال آن، باید مبلغ سی هزار تومان (۲۳+۷ هزار تومان) به عین السلطنه خسارت بپردازد (همان، ج ۹، ص ۷۲۲۰). او در چند نوبت هشت هزار تومان از تعهد خود را ادا کرد، اما عمرش وفا نکرد تا مابقی بدهی خود را بپردازد؛ ساعدالدوله در واقعه رجب ۱۳۴۳ ق از اسب فرو افتاد و مرد (همان، ج ۹، ص ۷۲۲۷).

فصل پایانی گفتار ما، مربوط است به سیاهه‌ای از اموال به یغما رفته عین السلطنه قهرمان میرزا در قلعه زوارک الموت که به گفته او در حمله سالارالدوله و الموتی‌ها، از بین رفته

۳. موضوع اختلاف عزالدوله و الموتی‌ها بر سر مالکیت ۴۴ آبادی به اصطلاح خالصه الموت، پس از ۴۱ سال کشمکش، سرانجام در ۱۳۱۵ ش به هجده هزار تومان، به روایتی بیست هزار تومان، به رعایا واگذار شد (سالور، روزنامه...، ج ۲، ص ۱۶۳۶) گرچه تعلقات فرزندان عین السلطنه به آنجا از بابت مادر الموتی خود همچنان برقرار بود.

توجه داشت که او به لحاظ مسلک و مرام اعتقادی اش گاه در تحلیل و استنتاج از برخی وقایع، نظری خاص را دنبال می‌کرده است. اما بخشی از گزارش سید ضیاءالدین الموتی — به رغم اختلاف روایت با عین السلطنه — که بیانگر روی دیگر داستان حمله به قلعه الموت است، ضرورتاً نقل می‌کنم:

در تمام الموت صفتبندی به منظور سرکوبی عین السلطنه به ترتیب زیر شروع می‌شود:

۱. جناح راست خیرالله خان کوشکی (مباشر سپهسالار تنکابنی) با عده‌ای از اهالی اندج‌رود و فیshan ناحیه به سمت بالاروچ عزیمت کنند.
۲. جناح چپ جلال بیک با عده‌ای از اهالی آتان در ناحیه‌ای معروف به دم‌کوه، رو به روی قلعه زوارک موضع بگیرند.^۱

... در این موقع [۱۳۳۷ ق] ساعدالدوله که بنا بود برای سرکوبی بعضی از اشرار از قزوین به تنکابن برود، از طریق الموت عزیمت می‌کند و به او دستور داده می‌شود مأمورین مسلح قلعه را نیز خلع سلاح کند. ساعدالدوله حین عبور از الموت سلاح‌های [افراد] عین السلطنه را از آن‌ها گرفته و در حقیقت آن‌ها را خلع سلاح می‌کند. پس از رسیدن به تنکابن اطلاع حاصل می‌کند که عین السلطنه شکایت کرده و به ساعدالدوله نسبت تجاوز به اموالش را داده است. ساعدالدوله از شنیدن این خبر سخت ناراحت می‌شود و از بین مجاهدین الموت، ولی خواجوی را احضار و یادآوری می‌شود که حاضرید به قولی که به سپهسالار در مورد تصرف قلعه زوارک الموت داده بودید عمل کنید؟ ولی خواجوی به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد. بلافاصله مبلغی وجه و اسلحه در اختیار ولی خان قرار می‌گیرد و با ده نفر مرد مسلح الموتی ۲۴ ساعته از خرم‌آباد [شهرسوار] وارد [روستای] گومارود الموت می‌شوند... همان شب قلعه زوارک محاصره و تمام اسلحه قوای عین السلطنه جمع‌آوری گردید... قلعه در محاصره کامل قرار گرفته و دستور داده شد عبور و مرور به قلعه باید قطع شود، فردای آن شب تعداد لازم قاطر و اسب تهیه کرده و دستور حرکت (خانواده عین السلطنه) مقیم در قلعه زوارک صادر گردید ... سپس شروع به ویران کردن قلعه می‌کنند...^۲

۱. همان، ص ۸۹.

۲. همان، ص ۹۹-۱۰۳. در سال ۱۳۳۵ ش در مکان ویران شده قلعه مدرسه زوارک به نام غزالی بنا شد و تا سال ۱۳۷۲ ش دایر بود و اکنون ساختمان ویران شده مدرسه تا حدی پابرجاست.

است. این سیاهه به همراه انتقال بخشی از کتاب‌های خطی و یادداشت‌های خانواده‌عین السلطنه به کتابخانه شورای اسلامی به آن کتابخانه سپرده شده است. به لطف حجت الاسلام رسول جعفریان و دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ، نسخه‌ای از این سیاهه به نگارندگان این سطور سپرده شد تا ضمن بیان پیشینه این قضیه و پس از بازخوانی و استنساخ نسخه که بخش‌هایی از آن به صورت سیاق است، آن را برای چاپ آماده کنیم. این سیاهه به‌ویژه از سه جنبه اهمیت دارد: یکی نشان‌دهنده تمهیداتی است که عین السلطنه برای زندگی خصوصی و حکمروایی خود در الموت فراهم آورده بوده است. دوم اینکه این فهرست دقیق، باید حاکی از این باشد که اصولاً برخی از حکمرایان قاجاری در قلعه‌ها و استحکاماتی چون قلعه‌ زوارک، دارای صورت اموالی بوده‌اند که موجودی قلعه را نشان می‌داده است. سوم، وجود لغات و اصطلاحات و اسامی اوزان و مقادیر در این سیاهه است که برای پژوهش‌های اجتماعی سودمند به نظر می‌آید.

پیش از آن توجه می‌دهیم که سعی شده است بازخوانی درستی از این سیاهه ارائه شود، اما تردید در صحت چند نام و ارقام سیاق — به سبب ناخوانا بودن اصل نسخه و کپی نامناسب از آن — باقی است.

نکته دیگری که در استنساخ این سیاهه ملزم به رعایت آن بوده‌ایم، «شیوه کتابت» عین السلطنه است؛ بدین معنا که برخی کلمات به همان صورت که در سیاهه است، در این چاپ آمده است. به طور مثال کلماتی چون نبط، هریر، طهران، چطر، هوله، ساطور، زغال، قلطاق، لهاف، پطو، خورد خورد و نظایر آن. اما گذاردن نقطه و یرگول (؛) و علامت (ـ) پیش از هر واحد شمارش را، برای تمایز بین دو مطلب، ضرور دانستیم.

اینک بازخوانی سیاهه اموال عین السلطنه در قلعه زوارک الموت که به وسیله سالارالدوله و عمال او به غارت رفته است:

صورت اموال غارت قلعه [زوارک الموت] که در عصر ۲۲ شهر ربیع الاولی ۳ جدی یونتیل [۱۳۳۷ق] توسط گماشتگان آقای ساعدالدوله واقع گردید لغایت ۲۶ ربیع

الثانی که عیال و اطفال اینجانب را جبراً و عنفاً از قلعه الموت [مقصود: قلعه زوارک] به شهر نمودند از قرار تفصیل ذیل را

حیات اندرونی از اطاق و برج مسکونی اینجانب

قالی بزرگ سه زرع در ۴ زرع چارک — تخته؛ ۱ فالپیچه قشقای دو زرع در یک زرع — تخته؛ کرسی ۲ عدد؛ لحاف کرسی ترمه — تخته؛ لحاف رو ترمه — ۲ تخته؛ متکای پر قو — ۲ عدد؛ متکای پر تعارفی — ۲ عدد؛ تشک دور کرسی — ۴ تخته؛ جاجیم رو کرسی — تخته؛ جاجیم رو میز — تخته؛ رو کرسی فرنگی — عدد؛ تخت خواب چوبی — عدد؛ لگن لعابی — عدد؛ آفتابه برنج — عدد؛ آفتابه گلدان برنج — ۲ عدد؛ ماهوت پاکن شانه — ۶ عدد؛ آینه نقره — عدد؛ کیف دلاکی — عدد؛ جعبه دستمال گردن — عدد؛ عصای بامبو — ۶ عدد؛ عصای سر طلا — عدد؛ عطر افشان — عدد؛ صندلی چوبی — ۳ عدد؛ پرده چادر شب — ۲ تخته؛ تفنگ پنج تیر آلمانی — قبضه؛ شش لول قبضه؛ برینگ ۲ — قبضه؛ فشنگ پنج تیر با قطار — ۱۰۰؛ فشنگ برینگ — ۵۰؛ فشنگ شش لول سربی — ۵۰؛ کتاب فارسی انگلیسی — ۲۳ جلد؛ کیف تحریر کار اورپیّه محتوی بعضی اسناد؛ جعبه پول زرد تقریباً ۱۶۰۰ تومان؛ جعبه تحریر اصفهانی؛ اسکناس — ۱۵۰ تومان؛ محتوی اسناد ریز ۶۸ [بسته] کاغذ — ۱۲۰۰۰؛ تسبیح اعلا — ۴ رشته؛ عینک — ۳ عدد؛ حوله صورت — ۲ عدد؛ کارتن قباله جات املاک مراتع زر خریدی اجاره‌نامه‌چه و اسناد بیع شرطی — ۷ بسته.

در دو گنجه این اطاق

جام نقره کوچک — ۳ عدد؛ سینی ورشو بزرگ — ۴ عدد؛ سینی زیر دستی کوچک — ۶ عدد؛ کارد و چنگال — ۲۴ دست؛ ترشی خوری بلور — ۲ دست؛ شربت خوری بلور — ۲ دست؛ مرباخوری بلور — یک دست؛ تنگ بلور بزرگ — عدد؛ کوچک — ۶ عدد؛ ترشی خوری چینی — دست؛ فنجان نعلبکی چینی — ۴ دست؛ قندان — ۴ عدد؛ قاشوب

۱. اشیایی که در مقابل آن‌ها تنها به ذکر واحد شمارش آن اکتفا شده است — مانند «عدد»، «تخته»، «زوج»، «دستگاه» — مقصود آن است که از آن شی یک عدد موجود بوده است. مثلاً قالی بزرگ — تخته؛ یعنی یک عدد بوده است نه بیشتر.
۲. بروینگ: نوعی تیربار سبک.

عدد؛ حوله کار الموت - ۶۰ عدد؛ کرباس سفید - ۲۰ توپ؛ کرباس رنگ کرده - ۱۰ توپ؛ حوله فرنگی - ۲ عدد؛ صابون گلیسرین و غیره - ۲ جعبه؛ صابون رخت و سر - ۳۰ من شاه؛ سفره چرمی همدانی - ۲ تخته؛ سفره چیت سفید - ۳ تخته؛ صندوق چرمی - ۸ عدد؛ کبریت - صد پاکت؛ سیگار پیچیده دویست و پنجاه عددی - ۵۲ بسته؛ کاغذ پست - ۹ دسته؛ پاکت بزرگ و کوچک - ۳ جعبه.

اسباب اطاق خانمها در اطاق بزرگ

فرش اطاق تمام قالیچه کار الموت همدان عراق سه زرعی و دو زرعی - ۱۵ تخته؛ قالیچه شیرازی نصب دیوار - ۲ تخته؛ قالیچه ترکمانی - ۲ تخته؛ قالیچه عراقی روی میز - تخته؛ پرده اشتوف - ۷ درگاه؛ رخسارگی لحاف کرسی - تخته؛ تشک دور کرسی - ۴ تخته؛ متکای پر قو - ۴ عدد؛ متکای پر - عدد؛ لحاف ترمه رو - تخته؛ لحاف رو - ۳ تخته؛ جاجیم - ۴ تخته؛ پتوی روی تشک دور کرسی مخمل - ۴ تخته؛ چادر شب رختخواب - ۴ تخته؛ رو کرسی مخمل - تخته؛ کرسی و میز - ۲ عدد؛ صندلی راحت - عدد؛ صندلی اعلا - ۳ عدد؛ تخت خواب آهن سفری - ۲ عدد؛ گرامافن - دستگاه؛ صفحه - ۲۰۰؛ چرخ خیاطی اعلا - دستگاه؛ میز چرخ - عدد؛ پشتی رو صندلی - ۲ عدد؛ منقل کرسی در اطاق - ۲ عدد؛ آفتابه لگن برنجی - دست؛ سینی برنج زیر آفتابه لگن - عدد؛ آفتابه کوچک برنجی - ۲ عدد؛ سینی مسی ۴ گوش - ۲ عدد؛ چراغ پایه ورشو - زوج؛ لاله - زوج؛ ساعت فرنگی طاقچه - عدد؛ قاب عکس - ۸ عدد؛ کارت پستال - ۸۰ عدد؛ قاب عکس های خاتم کاری - ۶ عدد؛ گلدان های گل زمستانی - ۴۰ عدد؛ کتاب شاهنامه - جلد؛ نظامی - جلد؛ فرخی - جلد؛ رودکی چاپی - جلد؛ ایضاً خطی - جلد؛ منوچهری خطی - جلد؛ سعدی کلیات - جلد؛ سعدی خطی - جلد؛ انوری خطی - جلد؛ حافظ - جلد؛ خیام خطی چاپی - ۲ جلد؛ مثنوی - جلد؛ تذکره - جلد؛ آثار العجم - جلد؛ تاریخ اعثم کوفی - جلد؛ بیهقی - جلد؛ کلام الله مجید خطی چاپی - ۲ جلد؛ کلام الله کوچک - جلد؛ جامع عباسی - جلد؛ مجمع المسائل - جلد؛

سوپ خوری چای خوری - ۴ دست؛ آب خوری چینی - ۴ عدد؛ جعبه دای فرنگی - ۲ عدد؛ کیسه دواجات ایرانی - عدد.

صندوقخانه برج

پول سفید در صندوق - ۵۰۰۰ تومان؛ پول سفید میان حوض و سقف اطاق - ۲۷۰۰ تومان؛ سرداری ماهوت فاکونی شال توپ؛ عبای موهری نایینی - ۴ تخته؛ کت ماهوت فاکونی کتان - ۶ توپ؛ شلوار جلیقه - ۶ توپ؛ پالتوی ماهوت شال طارم - ۴ توپ؛ شنل ماهوت - توپ؛ پالتوی بارانی - توپ؛ پیراهن زیر شلواری - ۱۲ توپ؛ دستمال جوراب - ۸ جین؛ ریگال^۱ چکمه - ۲ زوج؛ پوتین چرمی کتان - ۵ زوج؛ بقچه ترمه - ۲ عدد؛ بقچه قلمکار - ۶ عدد؛ سوزنی حمام ترمه - تخته؛ حوله حمام - ۴ تخته؛ کلاه ماهوت نمد - ۳ عدد؛ توتون سیگار - ۳۲ گبروانکه^۲.

لباس عباس میرزا و مسعود میرزا در برج

پالتوی ماهوت شال - ۶ توپ؛ سرداری - ۶ توپ؛ کت و شلوار - ۱۰ توپ؛ جلیقه مخمل و غیره - ۴ توپ؛ پیراهن چیت - ۱۰ توپ؛ پوتین اروس - ۸ زوج؛ کلاه ایرانی فرنگی - ۸ عدد؛ حوله حمام - ۲ تخته؛ سوزنی بقچه ترمه - ۳ تخته؛ بقچه چیت قلمکار - ۳ تخته؛ نانوی بچه با لوازمات - عدد؛ سماور ورشوی بزرگ - عدد.

لباس والده عباس میرزا در برج

پیراهن مخمل فاکونی اطلسی - ۵ توپ؛ پیراهن چیت - ۵ توپ؛ چادر نماز - ۸ توپ؛ چارقد حریرکار دستی - ۹ عدد؛ دستمال جوراب - ۱۵ زوج؛ اروس پوتین - ۴ زوج؛ بقچه قلمکار - ۵ توپ؛ سوزنی ترمه حمام - تخته؛ حوله حمام - ۲ تخته؛ طاس مسی کوچک و بزرگ - ۴ عدد؛ سینی مسی و مشربه - ۲ عدد؛ سماور ورشو بزرگ - ۲ عدد؛ ایضاً کوچک - ۲ عدد؛ جاجیم اعلا - ۲۰ تخته؛ چادر شب کار الموت - ۵۳ تخته؛ چادر شب ابریشمی - ۱۳

۱. ریگال یا رگال: در اینجا مقصود محل نگهداری مخصوص چکمه است.
۲. گبروانکه: واحد وزن روسی سابق. برابر تقریبی با پنج سیر (یک گبروانکه برابر ۴۰۰ گرم).



زادالمعاد - جلد؛ تاریخ بختیاری - جلد؛ الف ليله - جلد؛
کلیله و دمنه - جلد؛ صرف میر - جلد؛ حفظ الصحه -
جلد؛ هیئت فرهنگ - جلد؛ جغرافیا - جلد؛ جغرافیای فن
سن - جلد؛ نقشه ایران - جلد مخمل - جلد؛ حیات
علیخان - جلد؛ کفایة الحساب - جلد؛ گلستان - جلد؛
کتاب آشپزی - جلد؛ کنت مونت کریستو - جلد؛ زینت
المجالس - جلد؛ لغت فرانسه فارسی - جلد؛ سفرنامه - ۴
جلد؛ کتابهای ملکه خانم روشنک خانم - ۲۰ جلد؛
کیف خانمها - ۲ عدد؛ شیشه جوهر - ۷ عدد؛ پیوار
خطکش پرگار - ۵ عدد؛ قلم نو - ۳ عدد؛ جعبه رنگ لوازم
آن - ۲ عدد؛ زنگ - عدد؛ دوات ورشو - ۲ عدد؛ قلمدان
دوات طلا - دست؛ کیف تحریر - عدد؛ بسته کاغذ پستی
- ۱۰ بسته؛ پاکت بزرگ کوچک - ۴ جعبه؛ دفتر سفید - ۶
عدد؛ اسباب تحریر بسیار؛ لاک قرمز الوان - ۲ جعبه؛
دوربین صدف - عدد؛ ساعت زنگی - عدد.

دو صندوقخانه اطاق بزرگ متعلق به خانمها و کلفت آنها

پیراهن حریر سفید اعلا - عدد؛ حریر پشت گلی اعلا -
عدد؛ ایضاً آبی اعلا - عدد؛ فاکونی - ۵ ثوب؛ پیراهن
اطلس - ۲ ثوب؛ ربذ شامبر مخمل - ثوب؛ پالتو مخمل
ماهوت - ۲ ثوب؛ کت ماهوت فاکونی - ۵ ثوب؛ پیراهن
حریر تابستانی - ۱۸ ثوب؛ چادر نماز - ۱۵ ثوب؛ چارقد
حریر تور - ۱۲ ثوب؛ جوراب اعلا - ۳۲ زوج؛ دستمال
حریر اعلا - ۲۵ عدد؛ شارف همه رنگ - ۵ عدد؛ طاقه شال
مرحمتی سپه سالار [تنکابنی] - طاقه؛ شال مرحمتی امیر
اسد [خلعبری] - ۲ طاقه؛ شال لاکی خود خانمها - ۲
طاقه؛ اروس اطلس سفید - زوج؛ گل روی اروس - زوج؛
کفش از هر قبیل - ۵ زوج؛ پوپین فرنگی - ۲ زوج؛ گالش
- ۲ زوج؛ چادر ساده اطلس - ۴ تخته؛ حوله حمام - ۴
تخته؛ سوزنی ترمه حمام بزرگ کوچک - ۲ تخته؛ جانماز
ترمه - ۳ تخته؛ دست بقچه ترمه - ۲ دست؛ دست بقچه
گل دوزی - ۳ تخته؛ بقچه یراق ترمه - ۴ تخته؛ بقچه شال
مخمل قلمکار - ۱۰ عدد؛ چیت و پارچههای دیگر بسیار؛
هوله صورت فرنگی - ۶ عدد؛ روی تشک کتان - ۱۲ عدد؛
۱. در یادداشت‌های عین السلطنه (ج ۸، ص ۶۱۶) بوار خوانده شده است.

پرده طور - ۹ عدد؛ چطر زیبا مال بی بی - ۲ عدد؛ کلی عطر
اعلا - یک جعبه؛ ماهوت پاکن - ۳ عدد؛ شانههای سر
- ۵ عدد؛ آینه نقره - عدد؛ آینه جای عکس - عدد؛
عطرافشان - ۲ عدد؛ عطر از هر قبیل - ۷ شیشه؛ صابونهای
اعلا - ۲۷ قالب؛ بادبزن اعلا - ۴ عدد؛ کیف دستی چرم
جیر مخمل - ۵ عدد؛ کیف مروارید دوزی - عدد؛ کیف
هیکلی - عدد؛ جعبه بزرگ اشیا کاموادوزی خامه دوزی؛
جعبه خیاطی با لوازمات - عدد؛ عمامه کاموا تور ابریشم
میل و غیره بسیار؛ طاس حمام - ۲ عدد؛ طاس حمام
کوچک - ۳ عدد؛ سینی حمام - عدد؛ آبخوری بلور - ۳
عدد؛ روزنامههای مد - ۲ جلد؛ اشیای دیگر زنانه از هر
قبیل؛ ابر صورت مسواک دواي دندان؛ کاغذهای گلداز
اعلا - چند بسته.

رخوت^۲ ملکه خانم روشنک خانم و حاجی بی بی کلفت

پیراهن حریر اطلس - ۴ ثوب؛ پیراهن فاکونی مخمل شال
- ۶ ثوب؛ پالتو ماهوت - ۲ ثوب؛ مخمل ایضاً - ۲ ثوب؛
شنل و شال طارم - ۲ ثوب؛ کت مخمل ماهوت غیره - ۶
ثوب؛ پیراهن چیت - ۱۲ ثوب؛ چادر نماز - ۵ ثوب؛ چادر
سیاه اطلس - ثوب؛ دستمالهای اعلا - ۱۸ عدد؛
جورابهای فرنگی - ۳۲ زوج؛ پوپین فرنگی - ۲ زوج؛
کفش فرنگی - ۲ زوج؛ ایرانی - ۲ زوج؛ هوله حمام - ۴
عدد؛ سوزنی حمام مخمل گلدوزی - ۲ تخته؛ بقچه ترمه
- عدد؛ بقچه مخمل قلمکار چیت - ۸ عدد؛ صندوق - ۲
عدد؛ بادبزن - ۲ عدد؛ جعبه مخمل - ۲ عدد؛ چطر - ۲
عدد؛ فرش ۲ صندوقخانه گلیم؛ کت بی بی - ۲ عدد؛ چادر
نماز بی بی - ۳ عدد؛ پیراهن ایضاً - ۵ ثوب؛ چادر سیاه
عالی - ثوب؛ صابون در صندوقخانه بوده - ۳ من؛ اطو - ۱
عدد.

زیورآلات هر سه خانمها با مال والدۀ عباس میرزا
مدال گردن الماس؛ انگشتر الماس برلیان - حلقه؛ انگشتر
الماس امیر اسعد [خلعبری] - حلقه؛ انگشتر عقیق -
حلقه؛ ساعت طلای کوچک - دستگاه؛ النگوی الماس -
۲. رخوت را جمع رخت گرفته است.



در صندوق رخوت و اشیاء مادر علی محمد

یلن^۳ - ۶ ثوب؛ چادر نماز - ۶ ثوب؛ پیراهن - ۵ ثوب؛ تنبان زنانه - ۷ ثوب؛ چارقد مستعمل آقبانو^۴ - ۸ تخته؛ چادر سیاه عالی - تخته؛ چاقچور - زوج؛ روبند - ۲ ثوب؛ دستکش و جوراب - ۸ زوج؛ کمر بند - ۲ زوج؛ چیت سر بنده - ۲۵ زرع؛ بقچه قلمکار چیت - ۵ عدد؛ قدیفه - ۲ عدد؛ سوزنی شال - تخته؛ دوربین کوچک بچه‌ها - عدد؛ قوطی نقره - عدد.

در یک جعبه واقع در این اطاق که زیر لمبه گذاشته بودند برده شده است

پول نقد دسته کرده - ۴ تومان؛ پول زرد - ۳۲ تومان؛ پول سفید - ۱۵ تومان؛ گوشواره طلا - زوج؛ انگشتر طلا - حلقه؛ انگشتر گوشواره نقره - ۲ زوج؛ کیف جیب - ۲ عدد؛ گوشواره زنجیر طلا - زوج؛ ققره نخ - ۲ جین؛ ابریشم - ۶ کلاف؛ تسبیح خراسان - ۲ رشته؛ زیورجات متعلق به علی محمد مادرش آنچه بوده؛ قند انگلیسی - ۱۰ کله؛ قند شهری - ۱۰ من؛ ماست - ۱۲ من؛ چایی - ۶ من؛ آجیل - ۳ من؛ دواجات از این مقدار زیادت.

اشیاء اطاق دم درب مکتب‌خانه

فرش گلیم - ۲ تخته؛ کرسی و منقل - ۲ عدد؛ لحاف کرسی - عدد؛ تشک دور کرسی - ۳ عدد؛ جاجیم رو کرسی - تخته.

آذوقه در دو انبار و یک برج آشپزخانه

در برج انبار - ۲ خروار؛ نمک - ۳ خروار؛ سیب زمینی - یک خروار؛ لیمو عمانی - ۱۰ من؛ فلفل و زردچوبه و غیره - ۶ من؛ ادویه - ۳ من؛ رب آلوئالو - ۱۲ کوزه بطری؛ رب قوره - ۲۳ بطر؛ رب شاه توت - ۱۴ بطر؛ رب آلوچه - ۲۵ بطر؛ رب کهری^۵ - ۲۰ بطر؛ آب قوره - ۱۲ کپ؛ آب نارنج و آب لیمو - ۱۲ شیشه؛ زعفران - ۳۵ مثقال.

۳. یلن: نوعی پارچه.

۴. آقبانو [آغبانو]: پارچه‌ای نازک و پنبه‌ای که بیشتر برای چارقد و چادر به مصرف می‌رسد.

۵. کهری: زالزالک

زوج؛ مدال گردن ملکه خانم - عدد؛ گوشواره الماس ملکه خانم - زوج؛ انگشتر فیروزه روشنک خانم - حلقه؛ گوشواره طلا - زوج؛ انگشتر سه تکه ملکه خانم - حلقه؛ ایضاً الماس شکوفه - حلقه؛ پنج‌هزاری زرد نزهت خانم - ۱۰۰ عدد؛ لیره ایضاً - ۹ عدد؛ ده‌مناتی^۱ طلا - ۳ عدد؛ پول نقد هر سه خانم‌ها - ۴۵۳ تومان.

مال والده عباس میرزا که زیر لمبه^۲ در جعبه آهن کوچک بوده

ساعت طلا عکس شاه - دستگاه؛ بند ساعت طلا - رشته؛ بند ساعت دو بندی با سکه - رشته؛ دستبند طلا - زوج؛ دستبند فرنگی - زوج؛ گردن‌بند طلا با زنجیر نگین یا قوت - عدد؛ انگشتر سه تکه فیروزه - حلقه؛ دوربین زنانه - عدد؛ قوطی سیگار نقره - عدد؛ فنک نقره - ۲ عدد؛ سنجاق الماس یقه - ۲ عدد؛ گوشواره الماس - زوج؛ گوشواره ۲ هزاری - زوج؛ سنجاق طلا - عدد؛ لیره - ۱۰ عدد؛ دو هزاری - ۹ عدد؛ پول نقد - ۳۵ تومان؛ پوطین پشت لمبه بوده برده‌اند - ۲ زوج؛ قلمدان کار آقا صادق دور آب طلا؛ تمام اسباب - دستگاه.

اشیاء اطاق عباس میرزا و مسعود میرزا و آنچه در گنجبه و صندوق بوده

فرش اطاق‌های اطاق گلیم اعلاء^۳ زرع چارک در ۴ چارک - ۵ تخته؛ قالیچه - ۲ تخته؛ کرسی منقل کرسی - ۲ عدد؛ لحاف کرسی بزرگ رو جاجیم - تخته؛ چادر شب رختخواب - ۴ تخته؛ متکای پر بزرگ کوچک - ۴ عدد؛ لحاف رو - ۴ عدد؛ جاجیم رو کرسی - تخته؛ جاجیم در رختخواب - ۲ تخته؛ چادر شب رو کرسی - تخته؛ سماور برنج بزرگ - عدد؛ استکان نعلبکی - دست؛ سینی زیر استکان - دست؛ سینی مسی بزرگ - ۲ عدد؛ قوری کوچک بزرگ - ۶ عدد؛ جام برنج سماور - عدد؛ طشتک زیر سماور - عدد؛ شیردان مسی - عدد؛ شیردان لعابی - عدد؛ آب‌خوری لعابی - عدد؛ کلام الله مجید - ۳ جلد؛ کتاب درسی - ۵ جلد.

۱. ده‌مناتی: منات، پول رایج روسیه برابر یکصد کپک.

۲. لمبه: پیشانی بنا و ساختمان.



در انبار اول

چوب مگس - ۱۲؛ گردو - ۷۰ هزار؛ نان پخته - ۶۴
من؛ ظروف چینی - ۴ گنج؛ مربای به تقریباً ۶ من؛ مربای
آلبالو تقریباً ۲۰ من؛ قورمه - ۴ جلد؛ سنج - صد من؛
کشمش - صد من؛ کشمش سبز بی دانه - ۱۰ من؛ عناب
- ۱۰ من؛ پیت نفت خالی - ۲۰ عدد؛ ترشی به کوزه بزرگ
- ۵ کوزه؛ ترشی آلبالو - ۵ کوزه؛ ترشی بادمجان - ۳ کوزه؛
ترشی لویا - ۲ کوزه؛ ترشی خیار - ۵ کوزه؛ ترشی گل کدو
- ۴ کوزه؛ ترشی گل کلم - کوزه؛ عرق بید کاسنی شاه طره
- ۵۰ بطری؛ شیشه بطری خالی - ۲۰۰ عدد؛

اطاق کلفت‌ها که نه‌ارخانه هم بوده

فرش اطاق گلیم؛ کرسی و منقل - ۲ عدد؛ لحاف
کرسی کرباس - تخته؛ لحاف رو کرباس غیره - ۴ تخته؛
سفره چرمی - عدد؛ سفره چیت - عدد؛ هولۀ کار الموت
- ۸ عدد؛ بشقاب زیردستی - ۱۲ عدد؛ [بشقاب زیردستی]
سری کار ژاپن - ۶ عدد؛ آبخوری لعابی چینی - ۶ عدد؛
نمکدان بلور - ۶ عدد؛ فلفل دان ورشو - ۲ عدد؛ شیردان
لعابی - عدد؛ چراغ در گنجه مال اطاق‌ها - ۶ عدد؛ چراغ
کوچک شب - ۴ عدد؛ کفگیر برنج سرسفره - ۲ عدد؛ لباس
کلفت‌ها در چند بقچه؛ کت پیراهن؛ چادر نماز و غیره؛
گلیم چادر - تخته؛ گلیم‌های کوچک - ۵ تخته.

رختخواب زیادی جهت مهمان

لحاف رو ۱۰ تخته؛ تشک چیت - ۶ تخته؛ متکای پر - ۶
عدد؛ متکای پر ابلق - ۴ عدد؛ چادر شب نخ - ۵ تخته؛
گلیم فرش - ۳ تخته؛ پشه بند بزرگ کوچک - ۶ عدد.

ظروف آشپزخانه

دیگ بزرگ - ۳ عدد؛ دیگ بزرگ کوچک - ۱۱ عدد؛ روغن
داغ کن - ۳ عدد؛ آبکش بزرگ کوچک - ۳ عدد؛ دیزی
مسی - ۳ عدد؛ قزقانه مسی - ۲ عدد؛ بادیه برنج خیس کن
- ۲۰ عدد؛ [برنج خیس کن] کوچکتر - ۲ عدد؛ آبگردان
- ۳ عدد؛ کفگیر ملاقه - ۴ عدد؛ در دیگ مسی حلبی -
۱۳ عدد؛ قابلمه مسی - ۶ عدد؛ مجموعه مسی - ۶ عدد؛
سینی مسی مدور - ۲ عدد؛ قاب مسی بزرگ - ۶ عدد؛
طشت مسی - ۲ عدد؛ آفتابه مسی - ۳ عدد؛ آفتابه کوچک
- ۲ عدد؛ چراغ دستی - ۵ عدد؛ ظروف لعابی - ۴ تکه؛
ملاقه لعابی - ۲ عدد؛ کفگیر لعابی - ۲ عدد؛ پیاله بزرگ
کوچک - ۴ عدد؛ وزیری مسی - ۱۲ عدد؛ خورشید دوری
- ۱۲ عدد؛ بادیه مسی بزرگ کوچک - ۳۸ عدد؛ بشقاب
- ۳۸ عدد؛ کاسه مسی - ۱۴ عدد؛ ترشی خوری - ۱۲ عدد؛
نعلبکی مسی - ۶ عدد؛ بیل آهن - ۳ عدد؛ منقل فرنگی
- ۲ عدد؛ انبر بلند - ۲ عدد؛ [انبر] کوچک - ۲ عدد؛ هاون
برنج - ۲ عدد؛ هاون کوچک - عدد؛ کارد بزرگ - ۵ عدد؛
ساطور - عدد؛ تخته - ۲ عدد؛ سیخ کباب - ۱۴ عدد؛ خان
تخته - ۲ عدد؛ وردنه - ۲ عدد؛ لوک بزرگ کوچک - ۵
عدد؛ سفره کرباس - ۲ عدد؛ سرکه در آشپزخانه دو خمره؛

در انبار دوم

آرد - ۶ خروار؛ روغن - ۱ خروار؛ برنج مولایی - ۳ خروار؛
پنیر - ۷۶ من؛ برنج رسمی الموت - ۶ خروار؛ کشک - ۲۰
من؛ نخود - ۲۵ من؛ لویا - ۲۰ من؛ عدس ماش - ۳۵
من؛ لپه - ۸ من؛ لویا چشم بلبلی - ۵ من؛ لپه باقلا - ۱۰
من؛ بلغور - ۲۰ من؛ رشته پلو - ۱۲ من؛ عسل آب گرفته
- ۱۸ من؛ [عسل] آب نگرفته - ۶۰ من؛ شیره انگور - ۲۶
من؛ شیرۀ بُرتوت^۱ - ۱۸ من؛ سبزی خشک - ۳۰ من؛ قلیان
کدو - ۱۰ عدد؛ چیلک نفت - ۵ بار؛ جوال - ۱۰ زوج؛
گونی - ۳۰ عدد؛ تنباکو - ۴۰ من؛ سنگنگ - ۱۰ من؛
سبوی خالی - ۲۰ عدد؛ چوبک خشک - ۱۰ من؛ جاجیم
مستعمل - ۴ تخته؛ چادر گندم چرمی کنفی - ۴ تخته؛
کندوله در انبار - ۱۰ عدد؛ جمجه قاشوب - ۱۸ دانه؛ پشم پاییزه
- ۴ من؛ پنبه فرنگی - ۷ خروار؛ پنبه گالش نصف رنگ
کرده نصف بی رنگ - ۳ من؛ کوزه پنیر کنار حوض - ۱۰ عدد
- ۲۰ من؛ آلوچه خشک - ۲۰ من.

کابینه حیات بیرونی اطاق بزرگ

قالی بزرگ سفید قرمز کار ملایر نو - ۱۲ زر؛ قالی بوته ۳

۱. بُرتوت: تمشک.

۲. در یادداشت‌های عین السلطنه (ج ۸، ص ۶۲۵۳) آمده که این مقدار پنبه را در مقابل طلبی که از میرزا حسین داشته گرفته است.



روی نیمکت - ۲ تخته؛ ایضاً محتویات روی میز - تخته؛
قالیچه عراقی اعلا در صحن اطاق - ۲ تخته؛ پرده جاجیم
۵ درگاه؛ وال بر چوب پرده - ۱۰ عدد؛ پشتی نقره دوزی دیوار
اطاق - ۲ تخته؛ پشتی سلسله به دیوار - ۲ تخته؛ صندلی
راحت - ۳ عدد؛ پشتی اشتوف صندلی - ۶ تخته؛ جاجیم
روی میز - تخته؛ چارقدا بریشمی به دیوار - ۴ تخته؛
چارقد زرد ابریشمی - عدد؛ خورجین پشمی کار الموت ۴
زرع - عدد؛ پرده پشت شیشه - ۸ تخته؛ نیمکت چوبی
- ۲ عدد؛ میز بزرگ سفری - عدد؛ شیردان چینی سر بخاری
عکس ناپلئون سواره - عدد؛ لاله پایه برنج - زوج؛ شمعدان
فنری کوچک - عدد؛ عکس سلاطین روی زمین - عدد؛
عکس های دیگر از هر قبیل - ۱۰ قطعه؛ چادر شب
ابریشمی روی بخاری - تخته؛ آبخوری چینی بلور - ۳
عدد؛ کتاب های انگلیسی در گنج اطاق ۱۲ جلد فارسی
- ۶ جلد؛ آبخوری کوزه طهران - چند عدد؛ میز بزرگ دراز
- عدد؛ صندلی حصیری - ۳ عدد؛ لامپای سقف اطاق با
پارچه آن - عدد؛ نقشه بزرگ طهران - عدد؛ کتاب انگلیسی
روی میز - ۹ جلد؛ قاب چینی قدیم روی میز - عدد.

گنجۀ دیگر اطاق کابینه که دست محمد علیخان بوده

سماور ورشو مستعمل - عدد؛ فنجان نعلبکی چینی اعلا
بزرگ - دست؛ فنجان - عدد؛ لوله لامپای نمره ۲۰ - ۳
عدد؛ چک های سفید بزرگ کوچک - ۱۵ جلد؛ دوربین دو
چشم بزرگ - دستگاه؛ جوهر نفیس ۲ شیشه؛ [جوهر] آب
نکرده ۳ شیشه؛ آب لیمو ۲ شیشه؛ چای تنکابن - ۲
گیروانکه؛ میخ پیچ یک جعبه دوش مال کدخدا صفرعلی
- عدد؛ کلاه - ۳ عدد؛ آب صاف کن - عدد؛ پاکت های
تخم سبزی گل تقریباً - ۲۰ پاکت؛ بعضی اسباب های
خورد [خرد] که در نظر نیست.

در اطاق خوابگاه

تخت خواب - عدد؛ لحاف رو - ۲ عدد؛ تشک - تخته؛
متکا - ۲ عدد؛ جاجیم روی تخت - تخته؛ آینه - عدد؛
شانه ماهوت پاکن - ۳ عدد؛ حوله - ۲ عدد؛ قالیچه -
تخته؛ چطر و عصا - ۳ عدد؛

زرع در ۲ زرع - ۲ تخته؛ قالیچه کار عرب - ۲ تخته؛ میز
تحریر بزرگ - عدد؛ میز کوچک سفری - عدد؛ صندلی
حصیری - ۳ عدد؛ نیمکت کوچک - عدد؛ میز کشویی
کوچک کار طهران - ۶ عدد؛ جاجیم سفید میز تحریر -
تخته؛ پرده جاجیم درهای ورود - ۲ تخته؛ صندلی سفری
چوب گردو - ۵ عدد؛ ساعت زنگی سر بخاری - دستگاه؛
وال بر چادر شب درهای حیات - ۳ تخته؛ پارچه پشت
شیشه - ۶ تخته؛ خورجین رو صندلی سفری ۴ زرع -
عدد؛ صندلی سفری مشکی - عدد؛ جای کاغذ - عدد؛
دوات بلور - ۳ عدد؛ جای قلم فرنکی - عدد؛ پوار - عدد؛
قیچی چاقو - ۲ قبضه؛ قلم مداد - ۱۰ عدد؛ بعضی
اسباب های خورد خورد [خرد]؛ چک های مالیاتی -
چند جلد؛ پس چک - ۱۲ جلد؛ دفاتر نوشته سفید - ۱۲
جلد؛ خط کش - ۲ عدد؛ زنگ روی میز - عدد؛ اسناد
مطالبات فروش غله توشقان ئیل لوئیل ئیلان ئیل، تقریباً
۱۵۰۰۰؛ اسناد طرازی گوسفند دانه ۵ الی ۴ تومان - ۶۰۰
رأس؛ اسناد دولتی و نقدیات مالیه در بارس ئیل لغایت
یونت ئیل؛ روزنامه تحریر خودم - ۹ جلد؛ کارتن اجاره جات
یونت ئیل و بعضی اسناد و سیاهه - جلد؛ اسناد دولتی
متعلق به رعایا که امانت برده بودند؛ پول صغیر مرحوم
یوسف - ۳۰ تومان؛ شیشه مرکب - ۲ عدد؛ شیشه عطر
اعلا - ۲ عدد؛ باروت - کوزه؛ چاشنی تفنگ - ۳۰۰۰؛
کاغذ پاکت - ۱۰ بسته؛ فشنگ پنج تیر آلمانی روسی سه
تیر - ۱۰۰۰۰؛ فشنگ و رندل بلند کوتاه - ۱۵۰۰؛ فشنگ
موزر - ۲۰۰؛ مکنز - ۳۰۰؛ صورت محاسبات رعایا هر چه
بوده؛ تمسکات فروش برنج هر چه بوده؛ سیاهه چند ساله
تقی ابوالقاسم هر چه بوده؛ اسناد تقاوی رعایا آنچه که بوده؛
کتاب فارسی رمان سیاسی غیره - ۱۲ جلد.

حیات بیرونی اطاق بزرگ

قالی بزرگ متن ترمه نو ۵ زرع درسه زرع نیم؛ ایضاً اعلا تر
سه زرع در ۴ زرع؛ قالیچه قشقائی اعلا نصب به دیوار ۲
زرع نیم در یک زرع نیم؛ قالیچه بلوچی اعلا نصب به
دیوار؛ قالیچه قشقایی خیلی خیلی اعلا زرع چارک در ۳
چارک؛ قالیچه کار همدان - ۲ تخته؛ قالیچه رل رل عرب



در راهرو دیگر

فرش نم - تخته؛ نم - کار تنکابن پیچیده در آنجا - ۲
تخته؛ صندلی راحت چوب گردو نوار شده کار استاد
محمود - ۶ عدد.

در آبدارخانه

سماور نیکل کوچک - عدد؛ ایضاً برنج - عدد؛ قهوه ریز
ورشو - عدد؛ سینی برنج کوچک - ۲ عدد؛ سینی زیر
فنجانی - ۶ عدد؛ فنجان چای خوری چینی - دست
استکان - دست؛ قهوه خوری - دست؛ قوری بزرگ با
قندان - ۴ عدد؛ قوری کوچک - ۴ عدد؛ قاشوب
چای خوری قهوه خوری - ۳ دست؛ سفره چرمی - تخته؛
سفره چیت - تخته؛ بشقاب لعابی - ۶ عدد؛ نمداًبداری با
روفرش - ۲ تخته؛ خورجین آبداری - زوج؛ قابلمهٔ مسی
- ۶ عدد؛ قابلمهٔ لعابی - ۴ عدد؛ آفتابه لگن برنج - دست؛
ایضاً مسی - عدد؛ سیخ کباب - ۶ عدد؛ قابلمهٔ مسی توی
هم - ۳ عدد؛ نمکدان مسی - ۶ عدد؛ ترک بند بلغار چالمه
بلغار - ۲ عدد؛ جای چطر سیخ - ۲ عدد؛ جام برنج -
عدد؛ طشتک زیر سماور با جام - ۲ عدد؛ تنگ بلور - ۲
عدد؛ شربت خوری - ۶ عدد؛ قاشوب شربت خوری -
دست؛ پالون و دهنه رکاب - ۲ دست؛ مفرش بلغار - زوج؛
مفرش زیلو - زوج؛ هزار پشته - عدد؛ قوطی چرمی چای
سماور - عدد؛ قوطی جای نمک - عدد؛ قیفان میانهٔ قیفان.

دفتر خانه تقی خان سوای آنچه از مال ملا محیط
معلم و تقی خان و محمد علی در سه گنجه بوده.

گلیم کار کشمرز الموت - ۵ تخته؛ قالیچه - تخته؛ میز
تحریر با لوازم آن - عدد؛ صندلی حصیری - عدد؛ چادر
شب رومیزی - تخته؛ اسلحه گنجه جزء صورت اسلحه
ذکر می شود؛ فشنگ و رندل کوتاه - ۱۵۰۰؛ مکنز - ۳۰۰؛
دو لول ساچمه - ۲۰۰؛ پنج تیر - ۲۰۰۰؛ شش لول رویهم
- ۱۰۰؛ ده تیر سربی - ۲۰۰.

اطاق عباس میرزا و مسعود میرزا

فرش قالی - ۳ تخته؛ پطوپرده - تخته؛ چادر شب
روبخاری - تخته؛ نیمکت با چادر شب - عدد؛ صندلی
سفری - ۲ عدد؛ عکس و غیره - چند قطعه؛ نم - فرش

اطاق نوکرها - ۳ تخته؛ لامپا - عدد.

متفرقه در انبار برج وگل خانه

بخاری آهنی - ۵ عدد؛ سینی بخاری - ۳ عدد؛ آب پاش
کار طهران - ۴ عدد؛ بیل کلنگ - ۱۰ عدد؛ خجره^۱ -
۲ عدد؛ طبر - ۲ عدد؛ قیچی باغبانی - ۲ قبضه؛ اره بزرگ
کوچک - ۳ عدد؛ پردهٔ حصیری کار الموت طهران - ۱۶
عدد؛ پردهٔ کرباس در اندرون - ۲ عدد؛ گلدان شمعدانی و
گل های دیگر - ۲۰۰ عدد؛ زنگ درب حیات - ۲ عدد؛
چراغ توری جلوخان با آهن آلات - عدد؛ فانوس و چراغ
دستی - ۳۰ عدد؛ چادر آفتابگردان کرباس زرد - دستگاه؛
ایضاً کرباس سفید - دستگاه؛ قلندری^۲ - دستگاه؛ میخ
طویل آفتابگردان - ۲۴ عدد؛ گاو نر - ۱۲ عدد؛ دیلم آهن
- ۲ عدد؛ سچماق آهن - عدد؛ ترازوی کوچک - عدد؛
ترازوی بزرگ - عدد؛ قپان - عدد؛ چلیک خالی - ۶ عدد؛
جو در انبار برج - ۱۰ خروار؛ تخم یونجه - ۱۰ من؛ تخم
اسپرس - ۱۰ من؛ تخم هندوانه خربوزه - ۳ من؛ کشو
دستگیره لولا - ۱۰ دست؛ درب چوب گردو توی دالان - ۶
جفت؛ الوار گردو - ۱۰ تخته؛ نردبان - ۳ عدد؛ جای کوزه
آب - عدد؛ میخ - ۲ من؛ هیزم - ۵۰ خروار؛ زغال - ۲۰
خروار؛ تخت جات حساب - زوج؛ صندلی حیات چوب
توت - ۴ عدد؛ چوب سفید - ۴ عدد؛ کنده نشیمن [نشین]
حیات - ۶ عدد؛ صندلی دیواری - ۵ تخته؛ انهدام قلعه
- ۱۵۰۰ تومان؛ انهدام طویل - ۱۰۰۰ تومان.

انبار پائین در خانه علی محمد

گندم شسته و نشسته - ۲۰ خروار؛ روغن - ۱۰۰ من؛ پنیر
- ۲ جلد؛ عسل - ۳۰ من؛ پشم - ۱۶ من؛ پنبهٔ لهافی - ۲
گونی.

اسب و اسباب اصطبل

اسب غزل سواری خودم اخته - رأس؛ [اسب] کهر سه
سال خریداری از یحیی خان - رأس؛ اسب کزنگ اخته
- رأس؛ اسب کهر - رأس؛ اسب تاتو سواری ملکه خانم
- رأس؛ اسب کهر میرا خور اخته - رأس؛ مادیان کزنگ

۱. خجره: نوعی داس.

۲. قلندری: نوعی چادر نظامی.



با گوساله - رأس؛ گاو کاری - ۴ رأس؛ گوساله - ۲ رأس؛
طایه علف زوارک - ۲۰۰ دشوار؛ کاه علف طویله - ۵۰
خروار؛ خسارت وارده ۲۴۱ ع ۱ لغایت ۲۰ رجب ۱۳۳۷
قوی نیل - ۳۰۰۰ تومان؛ خسارت و مخارج از ۲۰ رجب
لغایت غره محرم ۱۳۳۸ تا تعیین شود؛ خسارت و اموالی
که جدیداً وارد شده است تا صورت آن به تحقیق معین
شود.

آنچه از این چاکر اسمعیل جلودار برده‌اند از قرار ذیل است.

گندم - ۵۰ من؛ برنج - ۲۰ من؛ گردو - ۶۰۰۰؛ روغن - ۱
من؛ قومه - ۷ خروار؛ بادیه - ۵ عدد؛ دیگ - ۲ عدد؛
صندوق - عدد؛ گلیم - ۳ تخته؛ رختخواب - دست؛
لحاف کرسی - عدد؛ جاجیم - عدد؛ کناره نمذ - عدد؛
سماور برنج - عدد؛ دوری مسی - ۲ عدد؛ اسباب فشنگ
پرکن - دست؛ سینی مسی - ۲ عدد؛ لباس مردانه فاکونی^۲
- دست؛ پیراهن زیر شلواری - ۳ دست؛ قدیفه - ۲ عدد؛
لنگ - ۲ عدد؛ سه ساعت نقره - عدد؛ گیوه مردانه زنانه دو
جفت؛ جعبه جفت؛ قوری - ۲ عدد؛ ارسی زنانه - زوج؛
جوراب ساقه بلند - ۶ جفت؛ دستمال - ۸ عدد؛ پول نقد
- ۳۰ تومان؛ چکمه روسی - زوج؛ پتک - عدد؛ متکا -
۳ عدد؛ استکان نعلبکی - دست؛ لامپای حبابی جفت.

آنچه از این چاکر محمد علی برده‌اند.

جلیقه - ۳ عدد؛ شلوار وطنی - ۲ عدد؛ پیراهن قزاقی - ۲
عدد؛ بند شلوار - عدد؛ کتاب - ۴ جلد؛ تیغ - عدد؛ برنج
مولائی - ۲۴ من؛ جو - ۱۵۰ من؛ گندم - ۸۰ من؛ یونجه
- ۱۰ بار؛ ارزن - ۲۱ من؛ چادر شب نو - ۲ تخته؛
رختخواب - دست؛ جاجیم - تخته؛ گردو - ۲۰۰۰؛ بقیچه
- عدد؛ پیراهن زیر شلواری - ۲ دست؛ دوات ورشو - عدد؛
کاغذ پاکت - دسته؛ کت شلوار - دست؛ لوبیا - ۱ من.

۱. ممکن است این مقدار قومه برای بعضی خوانندگان سؤال برانگیز باشد. باید
توجه داشت که در برخی سال‌ها که در گاوهای منطقه آثار نوعی بیماری پیدا می‌شد،
پیش از آنکه بیماری شدت یابد، گاوها را سر می‌بردند و گوشت آن را قومه
می‌کردند.

۲. فاکونی: پارچه‌ای که بدون طرح است که طی روند ناهمگون و متفاوت بافته
شده و اغلب تلفیقی از مات و براق است.

رأس؛ مادیان سفید - رأس؛ کره ابرش روسی سه سال
رأس؛ ایضاً سه سال کهر - ۲ رأس؛ کره کهر سه سال
ایرانی - رأس؛ قاطر سواری خودم ۴ سال - رأس؛ قاطر
کهر سه سال همدانی - ۲ رأس؛ زین برگ قزاقی - دست؛
ایضاً قزاقی - دست؛ قالیچه - دست؛ پیش خدمتی -
دست؛ جلوداری - دست؛ مال میراخور - دست؛ ایضاً
مستعمل - دست؛ تشک چه قاطر سواری - ۴ عدد؛ دهنه
رکاب - ۳ عدد؛ پالان سواری - ۳ عدد؛ افسار نو - ۶ عدد؛
افسار چرمی روسی - ۳ عدد؛ شیره‌گی - ۲۰ عدد؛ افسار
مستعمل - ۸ عدد؛ میخ طویله آهنی - ۱۲ عدد؛ اسباب
تعمیری - ۲ دست؛ قُبل - زوج؛ دهنه رکاب اضافه - ۶
دست؛ جل ترکمانی - عدد؛ دنبال افسار بند - ۳ عدد؛
زنجیری - ۱۲ عدد؛ قَلطاق - ۳ عدد؛ پابند زنجیری - ۹
عدد؛ اسباب فشنگ پرکن - ۲ دست؛ سطل مسی - ۲ عدد؛
نعل میخ نو در طویله - ۳۰ سوار؛ در قفسه - ۳۰ سوار؛
نعل روسی - سوارنیم؛ الاغ باری - ۳ رأس.

تفنگ و فشنگ قطارها سوای آنچه در سیاهه اسباب خودم و گنجی بیرون ذکر شده است

تفنگ پنج تیر روسی - ۸ قبضه؛ پنج تیر آلمانی - ۲ قبضه؛
سه تیر - ۲ قبضه؛ ورندل بلند کوتاه - ۸ قبضه؛ مکنز - ۲
قبضه؛ ده تیر فشنگ سربی - قبضه؛ دولول ساچمه با چماق
بی چماق - ۲ قبضه؛ موزر - ۲ قبضه؛ شش لول - ۲
قبضه؛ فشنگ در قطارها - ۱۰۰۰؛ فشنگ موزر - ۵۰؛
هفت تیر با فشنگ - قبضه؛ پنج تیر روسی کار ۱۹۱۷ -
قبضه؛ پنج تیر کوتاه روسی - قبضه؛ ورندل کوتاه - قبضه؛
هفت تیر - قبضه؛ فشنگ رویهم - ۳۰۰؛ تفنگ پنج تیر
روسی میکائیل از فرج الله گرفته است - قبضه.

آنچه تخمیناً غله و برنج از انبارها برده‌اند

غله - ۳۰۰ خروار؛ برنج - ۲۵ خروار؛ کاه علف تقریباً -
۲۰۰ خروار.

گاو گوسفند که در زوارک بوده است.

گوسفند قصابی - ۸۶ رأس؛ توقلی - ۷ رأس؛ میش دوشائی
- ۲ رأس؛ بز شیرده - ۲ رأس؛ گاو آبستن - رأس؛ گاو شیری





قهرمان میرزا سالور عین السلطنه - زینب سالور
 ۱۳۱۹

آنچه از این چاکر کر بلائی محمد علی برده‌اند.

رختخواب - ۲ دست؛ جاجیم - ۲ تخته؛ دیگ - ۲ عدد؛
 بادیه مسی - ۶ عدد؛ دوری - ۴ عدد؛ سینی مسی - ۲ عدد؛
 زیردستی لعابی - ۲ عدد؛ زیردستی مسی - ۲ عدد؛ لحاف
 کرسی - تخته؛ گلیم - ۲ تخته؛ نم - ۲ تخته؛ تیلک - ۲
 تخته؛ مجموعه کوچک - عدد؛ لامپا - عدد؛ سماور برنجی
 - عدد؛ رختخواب رضا بک - دست؛ گندم - ۳۰ من؛
 روغن - ۱ من؛ قرمه - ۱ من؛ عسل - ۳ من؛ پنیر - ۱ من؛
 رخت زنانه - ۲ دست؛ رخت مردانه - دست؛ عبا - تخته؛
 پالتوشال - عدد؛ اروسی - زوج؛ قرآن - جلد؛ جبه -
 زوج؛ آفتابه مسی - عدد؛ نفط - پوت؛ زغال - بار؛ قرقانه
 مسی؛ تنگ دولول - قبضه؛ جبه قزاقی - قبضه؛ استکان
 نعلبکی - دست؛ قوری - عدد؛ پیراهن زیر شلواری - ۲
 دست؛ پول نقد - ۳ تومان؛ جلیقه شلوار - دست؛ آرد - ۱۰
 من؛ جو - ۲۰ من؛ ارزن - ۲۰ من؛ برنج مولایی - ۲۶ من؛

برنج رسمی - ۱۴ من؛ گردو - ۵۰۰۰؛ نم - تخته؛ لنگ
 روی - عدد؛ سه ساعت نقره - عدد؛ پطو - تخته؛ رخت
 بچه‌ها - ۲ دست؛ چادر شب - ۲ تخته؛ قابلمه مسی -
 عدد؛ بز - ۲ رأس؛ کندو مگس - ۲ عدد؛ یونجه - ۱۰ بار.

آنچه از مال چاکر آقا برار برداشته برداشته شده

پول نقد - ۴ تومان؛ پیراهن قزاقی - ۲ عدد؛ کمر بند - ۲
 عدد؛ تیغ فرنگی - عدد؛ شنل بارانی - عدد؛ کت شلوار
 - دست؛ کیف بغلی - عدد؛ تسبیح - رشته؛ جقه - زوج؛
 آینه پیشکشی - عدد؛ تیغ ایرانی - ۲ عدد؛ چاقوی راجرز
 - ۲ عدد؛ کلام الله مجید - جلد؛ کتاب - ۲ جلد؛ بقچه
 - عدد؛ کیف جیب - عدد؛ قیچی - عدد؛ متکای پر -
 عدد؛ دستمال ابریشمی - عدد؛ قلف؟ [قفل] - ۲ عدد؛
 شال کمر جانعلی - عدد.

۱. راجرز: چاقوی شکاری.

